

جایزه بزرگ!

مرفیه رجیبی‌طوسی

۴۲۰ هزار تومان
(که البته قیمت‌های ۱/۴۰۰/۰۰۰ و ۱/۶۰۰/۰۰۰ تومان و بالاتر هم موجود است.)



۶۰۰ هزار تومان

اما از روزی که گذر این قطار مدرن‌تبه به آبادی‌مان افتاد؛ هر چه سادگی، صفا، صمیمیت، قناعت و خیلی چیزهای دیگر را به همراه شکر عافیت از ما گرفت. ظاهر خیلی چیزها زیباتر و لوکس‌تر شد و ما شهرنشینان زرق و برق‌نشین شدیم.

همین چند سال پیش هر کس در حد وسعش ما یحتاج اولیه زندگی دخترش را به نام جهاز یا جهیزیه تأمین می‌کرد و پدر با دعای خیر و چشمانی پر اشک از این که چندمین دخترش را هم راهی خانه بخت کرده بود، دخترش را بدرقه می‌کرد و چشم به راه برگشت دخترش می‌ماند به همراه نوه‌های قد و نیم‌قد...

اما قامت پدر امروز زیر بار قیمت‌های نجومی جهیزیه خم می‌شود. گاهی تا یکی دو سال بعد از فرستادن تنها دخترش به خانه شوهر، وقتی دخترش را می‌بیند یاد بدهکاری‌ها و قسط‌های عقب مانده‌اش می‌افتد و اصلاً یادش می‌رود که دلش بگیرد از این که تنها دخترش را راهی خانه بخت کرده و دلتنگ جگر گوشه‌اش بشود.

براستی در چنین شرایطی جایی برای احساس خوشبختی هم برای این پدر بیچاره می‌ماند؟ حالا ما برای آن خانواده‌هایی که دل‌شان می‌خواهد جهیزیه آبرومندانه‌ای برای دختران‌شان فراهم کنند حرف‌هایی داریم.

نشستیم و همین‌طوری با حساب و کتاب سرانگشتی، دیدیم تقریباً با حدود ۴ یا ۴/۵ میلیون می‌شود جهیزیه‌ای شایسته و آبرومندانه تهیه کرد که هم باعث خجالت عروس جلوی در و همسایه و فامیل نشود و هم کمر

کردن دل پدر، حتی متوسل به اشک و آه می‌شود و پدر بیچاره در نهایت مجبور است با چک و قرض و قوله، آبروی دخترش را حفظ کند و دخترش را جلوی خانواده شوهر سرافراز کند!

هزاران هزار کتاب و صدها کارشناس و رسانه‌های مختلف، و چه و چه، حرف از این می‌زنند که از این طریق می‌توان به خوشبختی رسید، یا از آن راه می‌شود احساس سعادت کرد. اما این وسط کسی نیست که بگوید؛ خب با این سرعت و شتابی که قطار تجمل‌گرایی و لوکس‌پرستی آدم‌ها دارد پیش می‌رود؛ با این چشم و هم‌چشمی‌ها و تورم بالا، اصلاً مگر خوشبختی یا همان احساس سعادت می‌تواند در کوچه پس کوچه‌های دل‌مان راه پیدا کند؟

قدیم‌ترها که در هر خانه پنج یا شش دختر و چند پسر داشتند، با افتخار و شور و شوق، در سرمای زمستان دور یک کرسی جمع می‌شدند و گرمای محبت‌شان آن قدر وجودشان را صیقل می‌داد که هر چه غم داشتند به راحتی فراموش می‌شد. فال حافظ می‌گرفتند و تا نهایت آرامش و خوشبختی را می‌پشیدند.

«ما که از زندگی چیزی نفهمیدیم؛ حداقل می‌خواهم جهیزیه‌ای به دخترم بدم که مثل توپ توی فامیل صدا کنه. دختر عموش بهترین و گران‌ترین کالاهای بازار را توی جهازش داشت. دختر من که هم از اون با کمالات‌تره و هم با سوادتر و هم... مگه چی کم داره؟!...»

زن همین‌طور تند و تند حرف می‌زند... انگار نفس نمی‌کشد... یکریز و با هیجان تمام دارد از تصوراتش و نقشه‌های حرف می‌زند؛ اجناس لوکس و گران قیمت، آخرین مدل‌های روز و...

هر چه اشتیاق زن برای حرف زدن بیش‌تر می‌شود، قلب پدر اما انگار دارد از حرکت می‌ایستد و هر چه دو تا چهار تا می‌کند، می‌بیند با هیچ چرتکه‌ای این خواسته‌ها جور در نمی‌آید.

روزها می‌گذرد و زن؛ هر روز دست دختر مشکل‌پسندش را گرفته و به بازار می‌روند تا مبادا از آخرین مدل‌های روز غفلت کنند.

هر شب بگو مگو... ندارم... چه کنم؟ ... با کدام حساب و کتاب به این نتیجه می‌رسی؟!...

آرامش از خانه رخت برمی‌بندد و گاهی مادر برای نرم

فرش ۱۲ متری ۴۵۰ الی ۶۰۰ هزار تومان، فرش دستبافت: ۲/۵۰۰/۰۰۰ میلیون و قالی ابریشمی ۲۹ میلیون و...



دخترانه

۴۰۰ هزار تومان
(البته ۲/۴۰۰ میلیون و
۲/۲۰۰ هم موجود است.)



گرفتاری‌ها ادامه خواهد داشت و با این حساب اگر روزی؛ جایی؛ اهیانا اثری از احساس خوشبختی دیدید، سلام ما را هم برسانید! البته دارندگی و برازندگی! والله حسود کیه...؟!

اگر آن قدر دخل‌تان زیاد است که این هزینه‌های میلیونی به هیچ گوشه زندگی‌تان فشار نمی‌آورد و برایتان زحمتی ندارد، اختیار دارید که هر جور دوست دارید زندگی کنید. برای شما چه اهمیت دارد که فلان دختر همسایه یا فامیل، دارد یا ندارد؟

اصلا مگر شما وکیل‌وصی قشر متوسط و فقیرید که وقتی پول از سر و کول‌تان بالا می‌رود، از پول‌تان استفاده نکنید؟ پس تا می‌توانید بخرید و پزش را بدهید! بیایید با هم به بازار مجازی سرکی بکشیم و ببینیم برای یک دختر امروزی چطور می‌توان یک هزینه آبرومندانه با هزینه مناسب و به دور از تجملات و اسراف و بریز و بپاش تهیه کرد و در نهایت، جشن عروسی واقعا

۲۰۰ هزار تومان



به کام همه، به خصوص پدر و مادر عروس هم شیرین باشد.

برای این کار سری به قیمت کالاها زدیم و اجناس مختلف را با قیمت‌ها و ویژگی‌های مختلف سنجیدیم. البته برای جلوگیری از هرگونه تبلیغ، ما از نام بردن اسم شرکت یا مارک کالا معذوریم.

با در نظر گرفتن تمامی ویژگی‌ها از جمله؛ به‌روز بودن، زیبا و شیک بودن، قیمت مناسب داشتن و ماندگاری و پاسخگویی به نیاز واقعی؛ اجناس زیر را پیشنهاد کردیم که ثابت شود به جای هزینه ده بیست میلیونی، می‌توان

۴۵۰ هزار تومان



پدر بیچاره زیر بار تورم کمرشکن خم نشود. البته ما فقط پیشنهاد می‌کنیم و شما باید که باید کلاه‌تان را قاضی کنید و ببینید کدام روش بهتر است. این‌که مثلا دل به دریا بزنید و گران‌ترین کالای بازار را، که در توان‌تان نیست بخرید و هیچ اهمیتی ندهید که قرار

است با چه فشار روحی و استرسی اقساط آن را پرداخت کنید و خواب راحت را از خودتان بگیرد و با کالایی بخرید که هم زیبا باشد و هم قیمت مناسب و در حد وسع‌تان باشد و راحت‌تر از پس مخارج آن بربایید؟! فراموش نکنیم که همیشه گفته‌اند: «دست روی دست بسیار است.»

یعنی اگر تمام آن مشکلات را به جان بخرید و زیباترین و لوکس‌ترین کالا را برای هزینه تهیه کنید؛ بعد از مدتی کوتاه جنس‌هایی مرغوب‌تر و زیباتر به بازار خواهد آمد و شما با همان روحیه آرمان‌گرا (!) و تجمل‌پرستی که دارید احتمالا از وسایل‌تان دل‌زده خواهید شد و این بار به جای پدر، جیب همسر بیچاره را نشانه خواهید رفت و لاجرم غرولند برای تغییر اثاثیه منزل و دکوراسیون و... آغاز می‌شود و این چرخه و این

۱۰۰ هزار تومان



۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان



جهیزیه سه چهار میلیونی هم دست و پا کرد. انتخاب نهایی با شماست.

اجاق گاز ۵ شعله؛ ۴۲۰ هزار تومان؛ (که البته قیمت‌های ۹۲۵، ۱/۴۰۰/۰۰۰ هزار تومان و ۱/۶۰۰/۰۰۰ تومان و بالاتر هم موجود است.)

فرش ماشینی (۱۲ متری ۴۵۰ الی ۶۰۰ هزار تومان. فرش دست بافت: ۲/۵۰۰/۰۰۰ میلیون و قالی ابریشمی ۲۹ میلیون و ۲۰ میلیون و ۱۳ میلیون)

یخچال؛ آبسردکن و فریزر، ۴۰۰ هزار تومان (البته ۳/۴۰۰ میلیون و ۲/۲۰۰ هم موجود است.)

ماشین لباسشویی تمام اتوماتیک ۴۵۰ هزار تومان.

تلویزیون ۲۰۰ هزار تومان. مجموع سرویس خواب: ۵۰۰ - ۲۰۰ هزار تومان.

مبلمان: ۴۰۰ هزار تومان،

وسایل آشپزخانه مثل: مخلوط کن و آسیاب ۶۵ تومان، چای‌ساز ۳۸ تومان، جاروبرقی ۱۰۰/۰۰۰ تومان و خیلی چیزهای دیگر مثل غذا ساز و...

خیلی از این اسم‌ها که بلد نیستیم گاهی اسم‌شان را هم درست بگوییم ضروری نیستند. مثلا؛ با وجود داشتن گاز فردار که جوجه‌گردان هم دارد می‌توان از مایکروویو یا حتی سرخ کن چشم‌پوشی کرد و در لابلای زندگی و گذر زمان اگر نبودش را حس کردیم تهیه کنیم. اما گاهی بیش‌تر این وسایل برای تکمیل پز دادن و کم نیاوردن جلوی دیگران است.